

۱۵۷۱۴۳

به نام خدا

www.ketab.ir

راندا برن

الهام امیری زاده

انتشارات آندیا گستر

سرشناسه : برن، رهندا Byrne, Rhonda
عنوان و نام پدیدآور : راز/راندای برن ؛ الهام امیری زاده.
مشخصات نشر : تهران : اندیا گستر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.؛ ۵/۲۱×۱۴/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۵۲۱۴-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیا

شناسه افزوده : امیری زاده، الهام، ۱۳۵۸ - مترجم

رده بندی کنگره : BF۶۳۹

رده بندی دیویی : ۱۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۹۸۵۶۷

نویسنده : راندای برن

مترجم : الهام امیری زاده

ناشر : انتشارات اندیا گستر

صفحه آرا : محمد جواد شایسته

طراح جلد : الهام کریم خانی

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۵۲-۱۴-۲

سال و نوبت چاپ : اول / تابستان ۹۹

شمارگان : ۱۰۰۰

قیمت : ۵۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس و تلفن : میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک

۰۲۱-۶۶۴۸۹۰۳۷

۰۹۱۰۴۵۲۹۹۹۷

حق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست

۵	پیشگفتار
۱۱	راز آشکار می‌شود
۱۳	«راز» چیست؟
۱۸	هر چیزی مشابه خودش را جذب می‌کند
۲۳	به بدن‌ها
۳۱	قدرت افکار شما
۳۶	راز آسان است
۴۷	عشق والاترین اساس
۵۲	روش استفاده از «راز»
۵۴	فرآیند خلاق
۶۵	راز و بدن شما
۷۰	چقدر طول خواهد کشید؟
۷۴	از پیش روز خود را بیافرینید
۷۸	فرآیندهای نیرومند
۸۱	فرآیند نیرومند قدردانی
۸۹	فرآیند نیرومند تجسم
۹۶	به فعالیت درآوردن فرآیندهای قدرتمند
۱۰۴	راز به دست آوردن پول
۱۰۹	فراوانی و وفور را به خود جذب کنید
۱۱۱	فکران را بر ثروت متمرکز کنید
۱۱۹	پولتان را ببخشید تا بیشتر آن را بدست آورید
۱۲۳	راز در خصوص روابط
۱۲۸	خودتان را دریابید

- راز سلامتی ۱۳۵
- خنده بهترین دارو است ۱۳۹
- فکر تان را بر کمال متمرکز کنید ۱۴۱
- راز جهان ۱۵۰
- جهان پیرشار از وفور نعمت است ۱۵۶
- راز در رابطه با شما ۱۶۳
- تنها من کیهانی ۱۶۸
- شما هسته‌ی خودتان نیستید ۱۷۴
- به افکار خود تسلط داشته باشید ۱۸۰
- راز در رابطه با بزرگی ۱۸۵
- عظمت خود را از این بزرگوارتر کنید ۱۹۰

با اعتقاد راسخ به این که «راز» می‌تواند عشق، شادی و سرزندگی را برای شما به ارمغان بیاورد.

«قصد من هم از نوشتن این کتاب برای شما و جهانیان همین بوده و نه چیز دیگری.»

پیشگفتار

ماجرا از یک سال پیش شروع شد، زندگی من در آن زمان از هر نظر متلاشی شده بود من به سختی کار می‌کردم بسیار خسته بودم که در همان هنگام لطمه شدید دیگری بر من وارد شد راز من را گهانی پدرم بود.

رابطه‌ام با همه کسانی که دوست داشتم از جمله همکارانم دچار آشفتگی و بی‌نظمی شده بود. در همین موقع که داملا را همه چیز ناامید شده بودم و در ناامیدی کامل به سر می‌بردم بزرگ‌ترین هدیه زندگی را از یکم از عزیزترین کسانم دریافت کردم. بطور غیر منتظره و اتفاقی من راز بزرگی را به دست آوردم «راز زندگی». بخشی از این راز در کتاب صد ساله‌ای بود که دخترم همان به من هدیه کرد. من کنجکاو شدم تا به تاریخ نظری بیافکنم تا رد پای این راز را پیدا کنم.

وقتی که متوجه شدم در طول تاریخ افرادی بزرگ و برجسته مانند افلاطون، شکسپیر، نیوتون، هوگو، بتهون، نیکلن، امرسون، ادیسون و انیشتین که از نام‌آشنایان تاریخ بوده‌اند «راز» را می‌دانسته‌اند برایم غیر قابل باور بود و با ناباوری بسیار از خود می‌پرسیدم «چرا همه این راز را نمی‌دانند؟»

هیجان و میلی عجیب مرا در برگرفت که باید این راز را به طول کامل پیدا کنم و مردم را هم در دانستن آن سهیم نمایم. ابتدا شروع کردم به یافتن افرادی که امروز هنوز زنده‌اند و راز را می‌دانند و می‌توانم موفق به دیدارشان شوم.

در این میان من به مانند آهن‌ربایی شده بودم که آنها را مانند قطعاتی آهنی به خود جذب می‌کردم شاید هم جاودانگی نهفته در این راز بود که خودش مسیرم را تعیین می‌کرد تا به امر دست‌دست پیدا کنم.

وقتی که استادی را پیدا می‌کردم پس از بیان مطالبش در مورد سوالاتی که از او می‌کردم، مرا به استادی دیگری راهنمایی می‌کرد تا بتوانم اطلاعات بیشتری به دست آورم و آنچه به دست می‌آمدم مرا حیرت زده می‌کرد این بود که هر گاه در مسیری اشتباه قرار می‌گرفتم توجه مرا به نکته دیگری جلب می‌کرد که آن نکته خود مرا به سوی نکته‌های مهم‌تر و بزرگ‌تر می‌رسانید. می‌کرد به طوری که احساس می‌کردم مسیر اشتباه من راهش را به سوی مسیر درستی تغییر جهت می‌داد.

مثلاً هرگاه در اینترنت مشغول جست‌وجو می‌شدم اگر اشتباهاً و یا تصادفاً کلیدی را فشار می‌دادم به نکته‌ای مهم هدایت می‌شدم به گویی «راز» خودش مرا راهنمایی می‌کرد که به کدام سو بروم تا به آنچه در خواستم هدایت کند و یا جلب این که در مدت کوتاه چند هفته‌ای توانستم آن انسان را پیدا کنم و آن چیزهایی را که لازم بود بینم و بفهمم.

سوالاتی که از خودم می‌کردم این بود:

«آیا این نیروی عظیم نهفته در «راز» نیست که ما را به درستی به سوی راز نهفته در خودش نزدیک می‌کند؟»

یکباره مصمم شدم تا این راز را در قالب فیلمی درآورده و آن را به جهانیان عرضه کنم و آن را در میان بگذارم که همه در مدت دو ماه به طور غیر قابل باوری میسر شد و گروه تلویزیونی راز شکل گرفت.

اولین چیزی که بسیار لازم بود این بود که در ابتدا باید تمام افراد گروه راز را یاد بگیرم چون بدون شناخت و درک کامل آن انجام این امر میسر نمی شد و ما نیز باید با بهام از خود راز به خلق «راز» می پرداختیم چرا که اعتقاد به حقیقت آن ما را هدایت می کرد تا به آنچه که می خواستیم برسیم.

در آن موقع ما حتی یک مدیر فیلم برداری برای تهیه فیلم نداشتیم اما همه با عزمی راسخ که راز به ما داده شد تصمیم به انجام این کار گرفتیم و ابتدا تصمیم گرفتیم که از استرالیا به آمریکا سفر کنیم زیرا اکثریت استادانی که راز را می دانستند در آمریکا زندگی می کردند. هفت هفته بعد، گروه راز شروع به فیلم برداری از برجسته ترین استادان کرد و فیلمی بهیچ حد که در آن ۱۲۰ ساعت مصاحبه انجام گرفته بود.

ما هم با هر قدم و با هر نیرویی «راز» را بکار می بردیم و در نهایت «راز» باشیم و یا به عبارت دیگر ما قدم به قدم همه افراد و همه چیزها را که لازم داشتیم با توجه به آنچه که از راز آموخته بودیم جذب می کردیم و دست می آوردیم و هشت ماه بعد «راز» بر روی پرده سینماها به نمایش گذاشته شد.

پس از پخش فیلم بود که نامه های زیادی به ما رسید که همگی در مورد اثرات شگفت انگیز راز در زندگیشان نوشته بودند، مثلاً برای ما نوشته بودند که از دردهای مزمن و یا از افسردگی شفا یافته اند و یا بیان کرده بودند که با توجه به نکات بیان

شده در فیلم و انجام دستورات آن قادر به راه رفتن پس از تصادفی که داشته‌اند و قدرت راه رفتن خود را از دست داده بوده‌اند شده‌اند.

و یا حتی کسانی بودند که از رهایی‌اشان از بستر مرگ خبر داده بودند، هزاران نامه از کسانی دریافت کردیم که با کاربرد راز موفق به دریافت مبالغ هنگفتی پول و یا چک‌هایی غیر منتظره از طریق پست شده بودند.

بسیاری هم اظهار کرده بودند که به خانه‌های رویایشان و یا همسر دلخواهشان و یا اتومبیل یا ارتقا در شغل دست یافته‌اند.

و حتی صاحب‌های بانکی بسیاری از تجار در مدت کوتاهی دچار دگرگونی عظیم شده بود و یا خبری از خانواده‌هایی دریافت می‌کردیم که با استفاده از راز روابط پرتنش خانوادگی‌شان را به دست آرام و دوستانه‌ای مبدل کرده بودند و دوباره حالت نشاط و شادی در خانواده حاکم شده بود. خلاصه همه چیز برای ما دلگرم کننده و امیدوار کننده بود. از بهرین بهانه‌های که دریافت کردیم از طرف بچه‌هایی بود که از «راز» برای بدست آوردن چیزهایی که می‌خواستند خبر داده بود مثل پیدا کردن دوستانی خوب و یا نمره‌های بالادان امتحانات.

فیلم راز سبب شد تا پزشکان هم که از اثرات مریض‌خیز راز در بهبود بیماری‌ها اعتقاد پیدا کرده بودند آن را با بیمارانشان در میان بگذارند. دانش‌آموزان و مدرسه‌ها نیز آن را با دانشجویان و شاگردانشان در میان می‌گذاشتند.

مؤسساتی هم نظیر مؤسسات بهداشتی و مذهبی که با اقشار زیادی از مردم در ارتباط بودند «راز» را با آنها در میان می‌گذاشتند که آن را بکار گیرند تا در دستیابی به آرزوهایشان موفق شوند.